

## متن پرسش

سلام حضور استاد گرامی : بنده چند سوال داشتم که در زیر خدمتتان عرض می‌کنم (۱) لطفاً کتاب‌های مربوط به سلوک دینی را به ترتیب نام ذکر بفرمائید. (۲) بعضی وقت‌ها خود را تحت فشار قرار می‌دهم که مثل حضرات امام (ره) و عارفان باشم اما هرچه تلاش می‌کنم کمتر نتیجه می‌گیرم و وقتی به خود مراجعه می‌کنم می‌بینم ضعف در اخلاق عرفانی دارم اما مدتی که با این کتاب‌ها مثل چهل حدیث مانوس می‌شوم احساس می‌کنم با مشکل مواجهم اول آنکه با در نظر گرفتن ایده‌های اینان انطور برایم متصور می‌شود که افراد دور و اطرافم چقدر عقب‌اند و غرق در هیچ و پوچ‌اند و این احساس عجب به من می‌دهد به این معنا که حضرات معصومین ما را آدم حساب کرده‌اند که روزیمان این طریق شده به تفحص درون پردازم ولی نمی‌دانم چه برخوردی با این موضوع داشته باشم یعنی خودم را قبول داشته باشم یا اینکه نه عاقبت هیچ کس معلوم نیست که شر شود یا خیر با این دید کمی ناامید می‌شوم ضمن آنکه در مورد دیگران چه برداشت و برخوردی باید داشته باشم که این حس برتری تعدیل شود ثانیاً فقط کافی است یک شکاف کوچک میان من و آن کتاب به واسطه‌ی درس‌ها یا تنبلی یا عدم خواندن آن برای چند روز شکاف بیفتد دیگر نمی‌توانم جمعش کنم و ارتباط‌گیری با این تیپ کتاب‌ها برایم مشکل می‌شود ضمن آنکه یک عقیده‌ی پشت‌ذهنی می‌گوید به من که تلاش‌های تو بی‌فایده است مثالش را این می‌آورد که امام خمینی با آن همه بزرگی ۲۰ سال به این مضموم طول کشید تا دروغ (صفتی که تو نقل و نبات گرفتی اش) را ترک کند با آن همه اساتید عرفانی نظیر مرحوم شاه‌آبادی و... تو که نه استادی داری نه اراده‌ای مثل امام نظیرش مثل یک شکاف کوچک بین من و این چنین کتاب‌ها که عرض شد؛ حالا بنده مانده‌ام برای درمان نفس خودم و برخوردی صحیح چه کنم و چه شیوه‌ای به کار بندم تا چشمم به ملکوت باز شود (واقعاً آرزوی قلبی من است) خواهش می‌کنم تو را به جان حضرت زهرا (س) کمکم کنید.

## متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی عزیز من! «أحِبُّ العارفين و لستُ منهم» من هم دوست دارم آنچه را شما دوست دارید و به این امید زندگی را ادامه می‌دهم و فکر می‌کنم حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌علیه» راه را گشوده‌اند و معارف گرانقدری را با ما در میان گذارده‌اند. پیشنهاد می‌کنم به عنوان مقدمه مباحث معرفت‌نفس و برهان صدیقین و معاد را کار کنید تا از جهت معرفتی خلأیی نداشته باشید و با تنظیم یک برنامه‌ی جدی سعی کنید بین دروس دانشگاهی و معرفتی و اخلاقی جمع کنید. از حضرت

آیت‌الله بهجت «رضوان‌الله‌علیه» پرسیده بودند: آیا معارفی که امثال سلمان و اباذر را پروراند هنوز هم موجود است؟ فرموده بودند آن‌ها چیزی اضافه‌تر از همین معارف نمی‌دانستند، آن‌ها صادقانه با این معارف برخورد کردند. گفت: «استاد تو عشق است چو آن‌جا رسی ..... او خود به زبان حال گوید چون کن» در جزوه‌ی روش سلوکی حضرت آیت‌الله بهجت «رضوان‌الله‌علیه» عرایضی عرض کرده‌ام که إن شاء الله جواب بعضی از سؤال‌هایتان می‌تواند باشد. (جزوه روی سایت لب‌المیزان هست). موفق باشید